



تبیین رابطهٔ اسلام و توسعه در مالزی

تبیین رابطهٔ اسلام و توسعه در مالزی

سنخبران

دکتر مجید پسران قادر

پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل



پژوهشکده ارتباطات
فرهنگی بین‌الملل
دانشگاه خوارزمی



تبیین رابطهٔ اسلام و توسعه در مالزی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سخنران: دکتر مجید پسران قادر

نوبت چاپ: اول - بهمن ۱۳۸۹

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰ ریال

چاپخانه: پیمان نواندیش

همهٔ حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است؛

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

سندوق پستی ۶۷۴ - ۱۴۱۵۵ | تلفن: ۸۸۹۱۹۱۷۷، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶ | Email: nashr@ricac.ac.ir

سخن ناشر

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات در راستای اهداف و وظایف خود اقدام به برگزاری نشست‌هایی با موضوع‌های مختلف در حوزه فرهنگ، هنر و ارتباطات می‌نماید تا از این رهگذر فضای گفت‌وگو و تبادل نظر میان نخبگان فرهنگی کشور، نقد و بررسی مسائل و مشکلات مبتلابه جامعه فراهم آید.

گزارش پیش‌رو، نتیجه نشست علمی - تخصصی است با سخنرانی دکتر مجید پسران قادر با عنوان «تیین رابطه اسلام و توسعه در مالزی» که از سوی گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین‌الملل در تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۸۹ برگزار شد. یادآوری می‌شود، مطالب مطرح شده از سوی سخنران، لزوماً منعکس‌کننده دیدگاه‌های پژوهشگاه نیست.

مقدمه

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، در برنامه های سال ۱۳۸۹ در پژوهشکده ارتباطات فرهنگی بین الملل، گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام، نشست هایی را در نظر گرفته، که یکی از آنها، نشست تخصصی رابطه اسلام و توسعه در مالزی است.

برخی معتقدند که مالزی مرفه ترین و توسعه یافته ترین کشور اسلامی است و در این زمینه کتاب ها و مقالات زیادی هم نوشته شده است. مالزی کشوری است که از دهه ۱۹۷۰ برنامه های اقتصادی و مدیریتی خود را طی برنامه ها و چشم اندازهای بیست و ده ساله اجرایی کرده و از سوی دیگر شاخص های اسلامی قابل توجهی دارد که ما را نسبت به رابطه توسعه و اسلام حساس کرده است. ورود و گسترش اسلام در مالزی، نه از طریق فتوحات بلکه از راه های مسالمت آمیزی مانند مهاجرت، دعوت، تجارت و... اتفاق افتاده است که حضور این عوامل در انتهای قرن بیستم باعث ایجاد پیوند وثیقی بین توسعه و اسلام شده است.

۸ ■ سلسله نشست‌های علمی - تخصصی

جناب آقای دکتر مجید پسران قادر از مدرسین دانشگاه و مؤسسات آموزشی می‌باشند که امروز از ایشان دعوت شده است ذیل عنوان تبیین رابطه اسلام و توسعه در مالزی در پژوهشگاه سخنرانی کنند.

گروه مطالعات فرهنگی جهان اسلام

دکتر مجید پسران قادر^۱

امروزه مالزی یک کشور نبوت‌مدار است تا یک کشور ولایت‌مدار. آنچه امروز تحت عنوان رابطهٔ اسلام و توسعه در مالزی مطرح می‌شود، هم براساس ادبیاتی است که در نوشته‌ها و گفتارهای موجود در این حوزه آمده و هم براساس مطالعات میدانی است که در این زمینه صورت گرفته است. بحث را با جمله‌ای از دکتر «ماهاتیر محمد»، معمار مالزی نوین آغاز می‌کنیم: «توسعهٔ مالایی‌ها به خاطر پذیرش اسلام بود. آنان اسلام را به عنوان راه زندگی پذیرفتند. البته ممکن بود خطاها و لغزش‌هایی وجود داشته باشد، اما تمدن بزرگ مالایی و توسعهٔ هنر و علوم و همچنین شکل گرفتن ایدهٔ عدالت‌خواهی و قانونمندی در سیستم دولتی از نتایج پذیرش اسلام است. ما تلاش کردیم تا مؤمن و معتقد به اسلام باقی بمانیم. اسلام، راهنمای ما برای توسعهٔ مادی بوده و ما هرگز مذهب را رها نکرده

۱. مدرس دانشگاه

و در حاشیه قرار نداده ایم. ما معتقدیم توسعه مادی در سایه به‌کارگیری تعالیم و دستورات اسلام محقق می‌شود.^۱

در ابتدا باید با استفاده از اعداد و ارقام موجود، توسعه مالزی را با سایر کشورها مقایسه کنیم، سپس در یک نگاه گذرای تاریخی، مالزی را از زمان استقلالش در سال ۱۹۵۷ تا امروز بررسی کرده و مسیر این کشور را از امروز تا چشم‌انداز سال ۲۰۲۰ مورد توجه قرار می‌دهیم. در چشم‌انداز سال ۲۰۲۰، مالزی کشوری توسعه‌یافته مبتنی بر ارزش‌های اسلامی است. ما با گذشت ۳۰ سال از انقلاب اسلامی هنوز نتوانسته‌ایم یک مدل مدیریت اسلامی طراحی کنیم، در صورتی که مالزی پس از رهایی از استعمار کهن بریتانیا توانست به عنوان یک کشور مسلمان، مدل متفاوت از تمام الگوهای غربی ارائه کند. من در کتاب خود، ۲۸ مدل توسعه‌ی متفاوت از الگوهای غربی را معرفی کرده‌ام؛ یکی از آن ۲۸ مدل، مدل «خدا محور»^۲ است؛ که مالزی آن را طراحی کرده و در ادامه، مؤلفه‌ها و سازه‌های آن معرفی خواهد شد. با توجه به اینکه در چشم‌انداز ۲۰۲۰ مالزی، اداره کشور به صورت یک شرکت،^۳ پیش‌بینی شده و با توجه به اینکه پارادایم اداره کشور از زمان ماهاتیر محمد تا نخست وزیری احمد بدایوی به «پارادایم تمدن اسلامی»^۴ تغییر یافته است، توسعه مالزی کنونی را بررسی خواهیم کرد، اما باید توجه داشته باشیم که ما برای توسعه و تعالی کشورمان به مدلی بومی براساس فرهنگ و آموزه‌های دینی و ولایی خودمان نیاز داریم.

۱. سخنرانی آقای ماهاتیر در شهر ریاض، ۲۲ مارس ۱۹۹۷

2. Allah oriented

3. Corporate governance

4. Civilization Islam

تبيين رابطه اسلام و توسعه در مالزی ■ ۱۱

در اینجا مقایسه‌ای میان شاخص‌های توسعه مالزی و کانادا، انجام می‌دهیم. مساحت مالزی ۳۳۱ میلیون کیلومتر مربع و مساحت کانادا ۹ هزار و ۹۸۵ است. در سال ۲۰۰۹، جمعیت کانادا ۹/۳۳ میلیون نفر و جمعیت مالزی ۷/۵ میلیون نفر بوده است. در مالزی ۷۱ درصد از افراد ساکن شهرها هستند؛ اما در کانادا ۸۱ درصد از جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند. در سال ۲۰۰۸، درآمد خالص ملی برای هر نفر در مالزی، ۶ هزار و ۹۷۰ دلار آمریکا بوده در حالی که در کانادا این مبلغ، معادل ۳۶ هزار و ۲۲۰ دلار است که تقریباً شش برابر مالزی است. در سال ۲۰۰۸، مالزی ساختار اقتصادی خود را براساس کشاورزی، صنعت و خدمات طراحی کرده بود، اما در همان سال، کانادا با ۲ درصد کشاورزی، ۳۲ درصد صنعت و ۶۶ درصد خدمات، تقریباً روندی برخلاف مالزی را طی کرد. فضای زیست محیطی برای هر نفر در مالزی ۴/۲ مترمربع است اما این فضا برای هر کانادایی ۱/۷ مترمربع است. همان طور که می‌دانید، شاخص‌های توسعه انسانی عبارتند از: از سطح سواد، طول عمر، بهداشت و... در سال ۲۰۰۷، در حوزه شاخص‌های توسعه انسانی، مالزی از میان ۱۸۲ کشور، شصت و ششمین کشور بود در حالی که کانادا رتبه چهارم را به خود اختصاص داده بود. مالزی در حوزه شاخص‌های توسعه‌ای جنسی، در میان ۱۵۵ کشور، پنجاه و هشتمین کشور است در حالی که کانادا چهارمین کشور است. امید به زندگی در مالزی در سال ۱۹۷۰، ۶۱ سال بوده که براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده در سال ۲۰۰۷، به ۷۴ سال افزایش پیدا کرده است: این در حالی است که امید به زندگی در کانادا در سال ۱۹۷۰، ۷۳ سال بوده که در سال ۲۰۰۸ به ۸۱ سال رسیده است. نرخ سواد در کهنسالی در مالزی ۹۲ درصد و در کانادا ۹۹ درصد است؛ در اینجا جایگاه

اقتصادی و توسعه‌ای مالزی با کشوری غیر از ایران مقایسه شد. کشورهای دیگر نیز برای بررسی شرایط موجود، خودشان را با سایر کشورها مقایسه می‌کنند مثلاً، ژاپن موقعیت توسعه‌ای خود را به ترتیب با پنج کشور ایالات متحده، آلمان، انگلستان، فرانسه و در نهایت با موقعیت خودش در گذشته، محاسبه و یک کشور را هم به عنوان معیار پایه انتخاب می‌کند تا بتواند شکاف را نشان دهد که معمولاً این کشور، هندوستان است. اما امروزه، هندوستان نیز در بسیاری از زمینه‌ها از جمله IT و پزشکی پیشرفت‌های فراوانی کرده است.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، سیستم مدیریت اقتصادی مالزی، متأثر از سیستم شبه‌استعماری بریتانیا بوده و به دنبال این امر علاوه بر امتیازاتی که به‌دست آورده، هزینه‌هایی را نیز پرداخت کرده است. سال ۱۹۵۷، زمانی که بریتانیا مالزی را ترک کرد، برای مالزی یک سیستم اداری بسیار منظم به ارث گذاشت که از جمله ویژگی‌های آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: درجه، شأن و جایگاه، سمت‌ها و پست‌ها، تمرکز قدرت در دست رهبر، پیروی از دستورات، رسمیت‌گرایی، تشریفات سازمانی، نقش‌های وظیفه‌ای و در نهایت سازوکار ویژه آموزش. یکی از مزایایی که مالزیایی‌ها داشتند و ما از این منظر همیشه با آسیب جدی مواجه بوده‌ایم، سازوکار نظارت، ارزشیابی و پایش در سیستم مدیریتی است. ویژگی ارزشمند دیگری که از انگلیسی‌ها برای مالزی به جا ماند، بحث ارزش‌گذاری در ارائه خدمت به مردم است؛ به‌طوری که امروزه، شاهد یک رویکرد مردم‌مدار به جا مانده از انگلستان در مالزی هستیم. در دهه ۱۹۵۰ در میان مقامات مالزیایی، نوعی وفاداری اغراق‌آمیز به بریتانیا وجود داشت، اما پس از طی این دوران گذار، مالزی سیاست‌های اقتصادی جدید خود را مطرح می‌کند و دهه ۱۹۷۰ به نام دهه «ناسیونالیسم مالزیایی مالایی» آغاز می‌شود. در این دوران، دو

تبیین رابطه اسلام و توسعه در مالزی ■ ۱۳

هدف عمده پیش روی مالزی قرار می‌گیرد، یکی ریشه‌کنی فقر، صرف‌نظر از نژاد و دیگری فراهم‌سازی وحدت ملی. طی ملاقاتی که با وزیر ارشاد مالزی داشتیم، ایشان از اختلاف نژادی که در زمان استقلال مالزی بین اقوام و نژادهای مختلف چینی‌تبار، هندی‌تبار و مالایی‌های مسلمان وجود داشت صحبت می‌کرد، اما با گذشت زمان و در نتیجه نگاه و تصمیمات درست مسئولان، برای ایجاد ملتی یکپارچه و عاری از فقر، تصمیمات مقتضی گرفته شد و ملت یکپارچه مالزی راه خود را پیدا کرد. دهه ۱۹۸۰ در مالزی، دوران تثبیت اعتبار به واسطه سیاست و خط‌مشی نگاه به شهر است. در این دهه یک چرخش پارادایمی در الگوی توسعه‌ای مالزی صورت گرفت و الگوی مدیریت آمریکایی به سرعت جایگزین مدل بریتانیایی شد. مؤسسه ملی مدیریت عمومی مالزی در سال ۱۹۷۲ با شعار تربیت برای توسعه، شکل گرفت و از سوی دیگر، برای استفاده از اصطلاح علمی مدیریت به جای administration واژه management را به کار گرفتند که نتیجه جنبش اثربخشی و سوددهی و بهره‌وری هر چه بیشتر است. از همین جا یک تعصب شدید غربی به طرف آمریکا و استفاده از الگوهای آمریکایی پیدا شد. علی‌رغم شکل‌گیری این مؤسسه، در سال ۱۹۸۰، مالزیایی‌ها متوجه توسعه ژاپن شدند. بحث امپراتوری ژاپن با کتاب‌هایی مثل «ژاپن کشور شماره یک»^۱ باعث شد که ژاپن مدرنیزه، تاریکی‌های پس از جنگ را کنار گذاشته و به عنوان یک ابراقتصاد مطرح شود. به تبعیت از الگوی ژاپن، کره نیز خود را بازآفرینی کرد. در کنار کره، مالزی از کاپیزن^۲ و چتر فلسفی که ژاپن برای توسعه خودش تعریف کرده بود، استفاده کرد. پس مالزی در دهه ۱۹۸۰

1. Japan as number of one

2. KAIZEN کلمه ژاپنی به معنای تغییر به سمت بهتر شدن.

الگوی توسعه‌ای دو کشور ژاپن و کره را نیز اخذ می‌کند. از سویی دیگر در همین دهه، بحث رسوایی‌های اخلاقی و خیانت در بانک‌ها مطرح می‌شود. دنیازدگی ملت مالزی یا بازیگران عمده توسعه اقتصادی آنها و وسوسه‌های شیطانی، عامل ایجاد این شرایط دشوار برای امت اسلامی بوده است. در آسیب‌شناسی که برای این شرایط وجود داشت، سه مسأله مهم مطرح شد:

۱. اغتشاش در مفهوم دانش؛

۲. فقدان ادب در جامعه؛

۳. نفوذ رهبران ناشایست به همه جنبه‌های زندگی اجتماعی و معنوی.

پس از این بحران، مالزیایی‌ها در پی آن بودند که افرادی را به عنوان مدیر انتخاب کنند که مناعت طبع، دانش کافی و توانایی شغلی داشته باشند و از سویی دیگر، معیارهایی را وضع کنند که به وسیله آنها بتوان افراد را ارزیابی کرد. مالزی کشور ویژه‌ای است و به تعداد ایالت‌های آن، پادشاه وجود دارد که به صورت دوره‌ای شاه مرکزی را انتخاب می‌کنند. البته، پادشاه مقامی نمادین و تشریفاتی است و قدرت در دست نخست‌وزیر و قوه مجریه است. زمانی، وزیر ارشاد مالزی، قانون اساسی مالزی و تصویب اسلام به عنوان دین الهی را مدیون یک دانشمند مسلمان پاکستانی می‌دانست.

در دوران پس از استقلال مالزی، چهار گروه در آنجا حاکمیت داشتند.

۱. گروه غیردینی استعماری عمل‌گرا. این افراد، براساس آموزه‌های بریتانیایی، افرادی بسیار برجسته، بانفوذ، قدرتمند، باتعصب دیوان‌سالاری شدید و رسمیت‌گرا بودند که جهان‌بینی سکولاریستی و گرایش ضد اسلامی داشتند، با

این حال در حوزه عمل افرادی بسیار کارآمد و کارآفرین بودند که بدون تبلیغ و بی سروصدا کار می کردند.

۲. گروه بروکراتیک ناسیونالیست که بیشتر به شخصیت‌های سیاسی متمرکز فرهنگ مالایی وابسته بودند تا شخصیت‌های فرهنگ اسلامی. این گروه بیشتر به ارزش‌های ملی خودشان که مالایی است پایبند و منتقد گروه اول بودند و آنها را وابسته به غرب می دانستند.

۳. گروه سوم، گروه سنتی و مؤکد اخلاق و تعلیمات مذهبی اسلامی بودند. آنها افرادی حاشیه‌ای به شمار می آمدند که اطمینان چندانی نداشتند که در هزاره جدید، اسلام بتواند آنها را به توسعه رسانده و مسائل چندملیتی‌شان را حل کند.

۴. گروه چهارم، یک گروه عقلایی اسلام‌گرا بود که از جوانان تحصیلکرده فرامرزی و تحت نفوذ تفکرات شخصیت‌های مسلمان تشکیل شده بود. مالزی جدید، بیشتر تحت تأثیر این افراد است: کسانی که نقش اسلام را در اداره مناسب جامعه، غیرقابل تردید می پنداشتند.

تحلیلی از بحران مالزی در دهه ۱۹۸۰ وجود دارد که می گوید، بحران مالزی، به دلیل گرفتاری در یک فرهنگ حسی و فلسفی «سوراخ سوسمار» به وجود آمد. درست از زمانی که اخلاقیات و رهبری ناشی از جهان‌بینی «انسان‌محور» به وجود آمد، هنجارهای این فرهنگ نیز در جامعه مالزی غالب شد. این هنجارها به دنبال دو اصل ثابت می گردند:

۱. سوداگرایی و سودگرایی

۲. لذت‌گرایی.

اصطلاح سوراخ سوسمار، برگرفته از حدیث موثقی از پیامبر گرامی اسلام (ص) است که می‌فرماید: «شما از شیوه‌های زندگی مردم گذشته، و جب به و جب تقلید خواهید کرد، تا آنجا که حتی اگر سست شده و خودشان را در سوراخ سوسمار انداخته باشند، شما هم تا آنجا آنها را دنبال خواهید کرد.» در ادامه از رسول خدا (ص) پرسیده می‌شود که آیا این مردمان یهودی و مسیحی هستند؟ پیامبر (ص) فرمودند: «غیر از آنها چه کسانی می‌توانند باشند.» مضمون این روایت پیش‌بینی این مساله است، هنگامی که شیفته غرب و توسعه غربی شویم، از گوهر خود، بیگانه شده و مسحور غرب می‌شویم. این بحث در منابع مختلف این طور انعکاس پیدا کرده است، حدیث سوراخ سوسمار با مطرح شدن در کتاب «معمای روانشناسی اسلامی» دکتر «مالک بدری» و در نوشته‌های دیگران از جمله پروفسور «سید حسین انعکاس»، تحت عنوان «فکر اسیر» مشهور شد. راه‌حل‌رهایی مالزی از این سوراخ سوسمار، اتخاذ نگرش توحیدی در اداره امور عمومی و توسعه‌ای بود. اتفاقی که در مالزی افتاد، این بود که آگاهی مثبتی برای درونی سازی حقیقی و نه ظاهری اسلام صورت گرفت. در آنجا، قواعد برای همه، اعم از مدیر و کارکنان یکسان است. این تعهدات مبتنی بر خداترسی، مانع از ایجاد دوگانگی و فساد می‌شود. در مالزی، پنج اصل مدیریتی براساس آموزه‌های قرآنی استخراج کرده و آنها را اجرا می‌کنند که عبارتند از: شورا، عدل و داد، آزادی در محدوده قانون، امر به معروف و نهی از منکر، برابری در کسب عدالت و بهزیستی، یعنی برخورداری از قوانین و ثروت ملی که خلاصه همه اینها به این جمله ختم می‌شود، همه در برابر قانون برابرند. در تعاریف متداول و رایج علم مدیریت، سازمان، این‌گونه تعریف می‌شود: مجموعه‌ای مرکب از افراد که به صورت یک واحد اجتماعی خاص برای رسیدن به یک هدف معین، دور هم

تبیین رابطه اسلام و توسعه در مالزی ■ ۱۷

جمع شده و با هم تشریک مساعی می‌کنند تا بتوانند به آن اهداف برسند. سازمان مبتنی بر ادب، که در مالزی متداول است، با هدف تشویق انسان به کار نیک و ترک کار ناشایست، با توجه به طبیعت انسان و فطرت الهی، زمینه ساز رسیدن انسان به خداست. نظام حکومتی مالزی، نوعی نظام حکومتی شرکتی^۱ است. در این جامعه بحث‌های پاسخ‌گویی، شفافیت و اعتماد، در حقیقت ارزش‌های متعالی و درخشان قرآنی هستند که در اداره مالزی از آنها استفاده می‌شود. نقش‌های خلیفه الهی در جامعه مالزی با این ویژگی‌ها شناخته می‌شوند: پاسخ‌گویی، شفافیت، عدل و انصاف و در نهایت مسئولیت‌پذیری.

ماهاتیر محمد در مالزی، ایده اسلام حضاری را در مقابل اسلام بدوی مطرح می‌کند. اسلام حضاری به عنوان چهره‌ای معتدل و میانه‌رو از اسلام در مقابل اسلام سیاسی شناخته می‌شود. در اسلام حضاری، اعاده اعتدال و در اختیار گرفتن جریان اصلی، ارزش نهادن به سجایای نیک، پاسخ‌گویی دولت اسلامی مورد توجه و تمرکز قرار می‌گیرد. در مالزی سه نژاد مختلف وجود دارد، اما بنابر دیدگاه ویژه اسلامی حاکم، ماهاتیر محمد یا هر رئیس دولت دیگری، در جشن‌ها و مراسم مسیحی‌ها و بودایی‌ها به عنوان لیدر شرکت می‌کند. رفتن او به کلیسا یا معبد، یکی از عوامل ایجاد وحدت در آنجاست. زمانی آقای حائری شیرازی نیز در شیراز همین کار را می‌کرد و در کلیسا سخنرانی ایراد می‌کردند. از جمله ویژگی‌های اسلام حضاری می‌توان به این موارد اشاره کرد: عمومیت.^۲ یعنی حاکمیت این تفکر که همه ادیان و آیین‌ها در پی فلاح و رستگاری هستند. توحید، وحدت‌گرایی، اخلاق، شکیبایی دینی و جامعیت، ویژگی‌های دیگر اسلام

1. Corporate governance

2. Universality

حضاری هستند. منظور از جامعیت، اعتدال و میانه‌روی است. اسلام حضاری در حالی که به وحدت می‌اندیشد، تنوع بین گروه‌های مختلف اجتماعی را نیز به رسمیت می‌شناسد و آخرین ویژگی مهم این قرائت از اسلام که بین تمام تفاسیر موجود از اسلام مشترک است، بحث انسانیت است؛ قرار دادن انسان در جایگاه انسانی، نه بالاتر و نه پایین‌تر. نهایتاً می‌توان زمینه‌های تمرکز اسلام حضاری را روی این چهار نقطه توصیف کرد: دانش^۱، توسعه متوازن^۲، ثروت و بحث بهداشت و سلامت. مباحثی که تاکنون مطرح شد، تابلویی از فضای سبز مالزی است که راهی رو به سوی آن است که به طور ضمنی بر جهانی‌اندیشیدن و محلی عمل کردن برای توسعه بهتر، تأکید می‌کند.

پرسش: با توجه به متفاوت بودن شرایط نژادی و پراکندگی قومی در ایران و با توجه به اینکه مدل توسعه مالزی چندان برای ایران کارآمد نیست، پیشنهاد یا نقطه شروع مدل توسعه‌ای ایران چه می‌تواند باشد؟

پاسخ: با فرض پذیرش این پیش‌داشته دینی که جهان به هم پیوسته امروز، نیازمند تفکری جهان‌شمول و فراگیر است، تا با شکل‌گیری ذهن برپایه اندیشه جهانی، در زمینه‌های گسترده طرح‌ریزی لازم صورت پذیرد، لازم است بدانیم که مدل‌ها، فنون و روشهای رایج مدیریت و نظام‌های گوناگون در هر جامعه‌ای، زمانی موفق خواهد بود که با فرهنگ، باورها و ارزش‌های فردی و اجتماعی آن جامعه سازگار باشد. لذا در به‌کارگیری آنها می‌بایست با پذیرش مخاطره‌ها، امکان یا عدم امکان سازگاری آن با فرهنگ جامعه را بررسی کرد. انجام این مطالعات به این دلیل است که بتوانیم از تجارب بشری در حدی که با ارزش‌های پایدار ما در

1. Knowledge

2. Balanced development

تضاد نباشد، بهره‌برداری کنیم. مثلاً مکاتب مختلفی مثل مکتب پولی «فریدمن» در شیلی مدتی به خوبی اجرایی شد، اما پس از برکناری رهبر سوسیالیست شیلی، به شدت شکست خورد. این دغدغهٔ ذهنی صحیح است که، صرفاً اضافه کردن مواردی به یک مدل خارجی، آن را بومی نمی‌کند. بدین منظور نیاز به یک آسیب‌شناسی جدی داریم و لازم است پیشینهٔ تاریخی آن کشور را مورد بررسی دقیق قرار دهیم. ما باید براساس سازه‌های جامعهٔ خودمان تصمیم‌گیری کنیم و در همین راستا، مقام معظم رهبری بحث ارائه و تدوین الگوی توسعهٔ ایرانی - اسلامی را مطرح کردند. من به عنوان کسی که در حوزهٔ مدیریت کار می‌کنم، با توجه به شناختی که از جامعهٔ خودمان دارم و مطالعات آسیب‌شناختی که داشته‌ام، مدلی را با نام «شایسته‌سالاری»^۱ طراحی و ارائه دادم. برخی ماهاتیرمحمد را محکوم به استفاده از شیوهٔ استبدادی برای توسعه مالزی می‌کنند. مثلاً، برخی معتقدند که او با تحمیل هزینه‌ای گزاف به مردم، یک پایتخت زیبا و امروزی ساخته است. اما همانطور که پیشتر گفته شد، ماهاتیرمحمد بیشتر به گروه سوم فعالان در مالزی تعلق داشت که یک گروه فن‌سالار بودند که از جنبه‌های تکنولوژیک بهره می‌گرفتند. ماهاتیرمحمد، یک پزشک بود و برای توسعهٔ کشورش، اسلام را زینت کار خود قرار داد، این در حالی است که بدایوی معتقد بود که خود اسلام باید روند توسعه را انجام داده و به پیش برود. آنها با بررسی شرایط و امکان‌های موجود، راه خودشان را پیدا کردند و ما نیز باید با توجه به امکانات و داشته‌های خودمان مسیر آتی را انتخاب کنیم.

پرسش: اگر مالزی برخلاف آنچه که هست، جامعه‌ای تک نژادی بود و

نژادهای مختلف در آن نبودند، آیا باز هم توسعه پیدا می‌کرد؟

پاسخ: باید بگوییم که شاید حتی اگر از خود ماهاتیر محمد هم بپرسید نتواند به شما جواب دهد. اتفاقاتی که در هر کشوری می‌افتد، متناسب با واقعیات و شکل‌های موجود در آن کشور است و قدر مسلم این که بدانیم اگر ترکیب نژادی در مالزی طور دیگری بود، مالزی، دیگر این کشوری که اکنون آن را می‌شناسیم، نبود.

پرسش: آیا توسعه مالزی ریشه در حضور بریتانیا و نظم اداری آن دارد؟ در دوران استعمار، مسلمانان تنها نقش رهبری جامعه را در اختیار داشتند و سایر نقش‌ها در دست نژادها و اقوام دیگر بود، اما پس از تحولات صورت گرفته در مالزی و پررنگ شدن نقش مسلمانان در اداره امور جامعه، آیا اسلام در همه مسائل اجتماعی حاکم است؟ و امروزه، برخورد مسلمانان با متخصصان چگونه است؟

پاسخ: باید گفت که برخی از اندیشمندان می‌گویند که استعمارگران به ایران صدمه زدند، اما این کشور را کاملاً مستعمره خود نکردند تا مزایایی نیز نصیب ما شود. آنها با اشاره به شرکت نفت ایران که زمانی تحت نفوذ استعمارگران بود، می‌گویند که هنوز به نوعی نظم بر جای مانده از آن سیستم اداری بر شرکت نفت حاکم است. این درحالی است که برخی کشورها با وجود اینکه مستعمره بودند، نتوانستند از مزیت‌هایی که در اختیارشان قرار داده شد به خوبی استفاده کنند. به‌طور کلی هر موقعیتی می‌تواند هم یک فرصت و هم یک تهدید به شمار رود و فقط بستگی به این دارد که چگونه از آن استفاده شود.

در مالزی تمام تلاش حاکمان این بوده که توسعه، بالندگی و مراودات اقتصادی خودشان را داشته باشند و از مزایای قانونی آن استفاده کنند و منافع آن

تبیین رابطه اسلام و توسعه در مالزی ■ ۲۱

را در خدمت سیستم خود بگیرند. در مالزی آزادی و استقلال دینی و عملکرد دینی وجود دارد. هیچ اجباری وجود ندارد و هر کس که هر چیزی را انتخاب می‌کند، مؤمنانه و از روی اعتقاد کامل آن را اجرا می‌کند؛ چه کسی که حجاب را رعایت می‌کند و چه کسی که به حجاب معتقد نیست.

پرسش: در معرفی مدل توسعه‌ای مالزی، بیش از اینکه به قوانین اسلامی در اداره جامعه اسلامی اشاره شود، به ماهیت فلسفی انسان مسلمان اشاره شد. آیا در قواعد تجاری مالزی و در سازماندهی بنگاه‌های اقتصادی آن کشور، روابطی متفاوت با سایر نقاط دنیا برقرار است؟ آیا نظام‌های توزیعی، بانکی، پولی و... سازماندهی اجتماعی در مالزی، براساس نوع نگاه ویژه‌ای که به انسان دارند، با سایر کشورهای دنیا فرق دارد؟

پاسخ: در این زمینه می‌توان گفت که بیش از هزار صفحه مطالعه انجام گرفته است. اقتصاد اسلامی یا بانکداری اسلامی در مالزی مورد تحقیق بوده و در این حوزه آنها نه تنها عقب‌تر از ما نیستند، بلکه از ما جلوترند. سیستم مالی مالزی یک سیستم هماهنگ براساس آموزه‌های دینی اسلامی است که در همه جا یکسان اجرا می‌شود. آنها شهادت این را داشته‌اند که در کنار اجرایی کردن قوانین اسلامی، دو روز تعطیلی هفتگی‌شان را با دنیا هماهنگ کنند. آنها ساعت‌های شناور را قانونی کرده‌اند که خلاف قانون هم نباشد.

کلیت سیستم قضایی مالزی براساس قوانین اسلامی تنظیم شده است، اما انعطاف‌پذیری‌های لازم نیز پیش‌بینی شده که حقوق اقلیت‌ها نادیده گرفته نشود. برای بررسی جزئیات این مساله باید قوانین قضایی و عملکردشان را بررسی کرد. ما باید برخی عوامل را ثابت فرض کنیم و بعد از آن کار مقایسه را شروع کنیم.

این طور نیست که بتوان با یک درک و دریافت متفاوت از اسلام در ایران و مالزی روبرو شد و سپس دو پدیده کاملاً متفاوت را سنجید.

یکی از اشکالات مدیریتی موجود در ایران، این است که ما بسیار سریع و کمتر با تأمل، برنامه‌ریزی کرده و آن را اجرایی می‌کنیم. به جای شناخت دقیق و همه جانبه از مسائل و مشکلات، فوراً راه‌حل آن را در سطح ملی، اجرایی کرده و به جای تحلیل‌های خرد و موزائیکی، همیشه دنبال کار، روی مقیاس‌های بزرگ هستیم. بسیاری از مسائل کلان باید خرد شوند، تجزیه شوند و سپس تعمیم داده شوند.

یکی از جدی‌ترین زمینه‌های توسعه مالزی، توسعه در حوزه IT و ICT است. ماهاتیر محمد می‌گوید: «وقتی می‌خواستیم توسعه صنعتی را شروع کنیم، اگر از توسعه ماشین شروع می‌کردیم، عملاً ۱۰۰ سال از دنیا عقب بودیم اما در این حوزه چهار سال بود که کار شروع شده بود و ما برای جبران این چهار سال فرصت خوبی در اختیار داشتیم.» مالزی، امروزه به اندازه صادرات نفت ما، صادرات نرم‌افزارهای کامپیوتری دارد.

در پایان، لازم به یادآوری است که فرهنگ، همیشه آرام آرام تمدن را می‌سازد. الفبای مباحث توسعه، آموزه‌های دینی است که باید تلاش شود آن آموزه‌ها بیش از پیش در جامعه ما و در تفکر مدیریتی ما جای خود را باز کند تا براساس آن بتوانیم پشتوانه مدیریتی کشورمان را ایجاد کرده و به شایستگی به توسعه دست پیدا کنیم.